



دلم راجوري گريم کرده ام که نشکند

گفت و گو با عبدا... اسکندری، چهره پرداز باسابقه سینما و تلویزیون

بعد گرفت من روماج کرد. گفتم خی خواستم به همین باور برسن! گاهی... خیلی... شده که از این کارها کردم! شما هرجوی اسمش رو دوست داری بذار. من فکر می کنم یه نعمت خداداد رو جو دمن بوده دیدم. خدایه چیزی در جو دم گذاشته اون رو پیکاردم و به تقویت کردنش پرداختم. خدابه من محبت کرده بود و من متوجه اون محبت شدم و رشدش دادم.» با استاد سخن ها زدیم تلفنی هفتنه بلکه زمانی توفیق دیدار رو کند. در همه این مکالمه ها چیزی که خیلی روشن بود فروتنی و آداب دانی گرم و گیرای ایشان بود. با این که ایشان به قول همکاران، ناموزنده کم حرفی و کم سخنی اما بسی این مخلصان را نواخت: «بسیار سوالات زیبا بود خیلی خوش آمدزای نوع سوال کردن. سال هاست از من سوال میشه ولی چه سوال های عمیق و خوبی کردی. من آن زیوی موافقیت برات دارم» در خانه سینماییان خودشان تا صبح پای گفت و گو بودند (پرس تاصیح پرس) البته اگر همراه نداشتند و مهمان نبودند. بخش هایی از سخن در تماس های بعدی شکل گرفت. غیرممکن بود از پی یک گزاره ای جمله کوتاه حتی، لکل خند گرم و دلنشیش اش چاشنی هم پرسیگی مان نباشد و نشود.

با بسما...
همه عوامل فیلم شیلات می دونستن قراره داود رشیدی نقش یه ترکمن (خوجه ممد) را بازی بکنه (روایت استاد عبدال...) اسکندری، چهره پرداز (رشیدی) رو مثل یک ترکمن کریم کردم، لباس هاش رو که پوشید رفیم سر صحنه فیلمبرداری. با آقای رشیدی قراری گذاشتیم تابیینم چقدر باور می کنم که یه ترکمنه. رفتم پیش آقای مدیر تویید گفتم یه ترکمن به روزنامه نگار چسبیده که سه تا سب دارم شماتی فیلم توون از اینا استفاده کن. هی من می گم اسب لازم نداریم می گه این جاترکمن صحراءست پس چرا او مدین فیلمبرداری؟ شما خودت برو جوابش رو بده. مدیر تویید او مددم در گفت چی می گی عمو؟ اوندم بازی رو شروع کرد که سه تا سب دارم و چنین و چنان اگفت حالی بایاتو یه چایی بخور. او مدت تو... همه از کنارش رد شدن و هیشکی نشناختش باورت نمیشه، نمیگم کارمن بوده ولی یه جوری شده بود که هیشکی نمی شناخت این ترکمن همون رشیدیه! تا جایی که خی خواستن بیرونش کنن! اونجا بود که گفت با بامن داود و او

<u>کجا دلت</u>	اون هانیستم.	حس تون از چهره خودتون؟
<u>می شین؟</u>	<u>اگه قرار باشه یه چهره زیبا رو تبدیل کنیم به یه آدم بد، دل تو نمیاد؟</u>	هر مقطعی زیاد راضی نیستم دو نمایم جرا.
<u>وقتی که هنر و کنار دستم و عشق رفتم</u>	اگه نقشش ایجاب کنه مجبورم. من اصلابراز همین اومدم دیگه.	این سییل آرتیستیک؟ بیمه های جوونی از ۴۰ سالگی.
<u>نقشش رو بدم</u>	<u>وقتی که شما رو یکی از ده چهره پرداز برتر جهان دونستن؟</u>	قبلاش؟
<u>مهمه، هی ن</u>	خیلی به ایرونی بودنم افتخار می کردم.	بیبلی داشتم آویزان بود بعد باش رو بالا کردم.
<u>محبود کردن</u>	<u>داتوی حول و حوش تغییر</u>	تغییر و تنوع گاه به گاه در تیپ تصصیم؟
<u>نزن، به سبیل شسته می شه.</u>	<u>فکر می کردم که یه عده ای از هموطنانی من شاید خوشحال شن. یه جایی که خیلی ها آزو ش رو دارن برسن که حتی فکر نمی کردن ما گیریم بلداشیم.</u>	دته نیستم چون نیاز من ست بازگه هانیار دارن.
<u>شده هنری</u>	<u>ولی دیدن یه گریمور از این مملکت شونه به شونه کسانی او مدم که اون بالا بودن و در درجه بالا:</u>	گریم خوتربن چهره؟
<u>خوابش بیوه بوده؟</u>	<u>و به ایرونی تونست در رده اونایی قرار بگیره که خودشون این شغل رو آوردن و در درجه بالا بودن...</u>	سره ای که بازگیر باشه همه همه های عالم روی صورت شنیه.
<u>اصلا به طولانی بعضی های راش</u>	<u>بی شک خلاقیت شما در کار بوده اگر به به مواد و متراژم که دسترسی نداشتنی:</u>	گریمی که آخرش به خودتون دین دست مریزاد؟
<u>بعضی چی؟</u>	<u>روی عشق و علاوه ای که به گریم داشتم، خب خیلی زحمت کشیده بودم.</u>	لی از گرمی های این حس رو دارم. از گرمی های دوست داشتنی؟
<u>طرف عشق ب</u>	<u>اهل خطر کردن هستین؟</u>	تو نمی بگم چون همه شون دوست دارم مالک اشت، اکبر دی در مادر، دست فروش، آقای نمود بصری که پیزنه رو بازی ۵. (نمی دونم) آقای انتظامی، ردستان، شعبون استخوانی. روح این گریم ها؟
<u>دوست داشت</u>	<u>بله، آزمون و خطابا خودم زیاد</u>	کدام نمی بخشی از وجود بخشی از از رزی خودمه.
<u>مشهور شه</u>	<u>انجام دادم.</u>	ساعت خواب گریمور کی شی می شین؟
<u>شه. اون برای نه هنر پیشگوی هم برای خود</u>	<u>اهل ماجراجویی های جوونی؟</u>	های های هستیم که زود ترا همه یم و به خاطر پاک کردن صورت منده اها آخرین کسی هستیم از معرکه بیرون میریم.
<u>من.</u>	<u>من اونقدر عاشق گریم بودم که تموم ماجراجویی هام با گریم بوهد.</u>	استاد! واقعا چهره هر کسی ای شخصیت شده؟
<u>هنری شده</u>	<u>تلوی زندگی برآتون خیلی مهمه؟</u>	دانه ای مثلا.
<u>چی؟</u>	<u>خانواده و بچه هام، شغل و این که شاید یه ذره کوچکی باشم که رشد دادم عده ای از آدم هایی رو حمل براین نیست که من کردم من یه ذره بودم و دیگرانی هم بودن (تلوی منطقه مون و در گریم عقب نیستیم.</u>	یعنی یه آدم زیبا با چهره شین، شخصیتش هم شینه؟
<u>وقتی دارم ط</u>	<u>زندگی تو نیستیم</u>	نه یه جاهای معرفه.
<u>ظاهرش رومی</u>	<u>شیرین ترین لحظه های زندگی تو نیستیم</u>	تلوی بخش حرفه ای؟
<u>اینینه، درونش</u>	<u>من خیلی لحظه شیرین زندگی دارم، خانواده ام و شغلم.</u>	گریمور می تونه تشخیص بد چ چهره، آدم مرموز یا کنیس یا یشیه.
<u>و دیگه گریم از نمیشه.</u>	<u>اوج حظ و شادی تو نیستیم</u>	رنگ های برای شما؟
<u>گریم کی از هر چیزی</u>	<u>وقتی یه شخصیتی رو خلق می کنم و واکنش دیگران رو می بینم که قدر به درست بودن این خلاقیت نزدیک شدم اوج</u>	برهه ها رو با رنگ ها معنا کنکنیم.
<u>هنری شده رو</u>	<u>لذتمنه.</u>	شده رنگ های سارtron داد بزن لامبافش جیغ بکشه که امن و اربیریان بیر!
<u>خواهید باشه</u>		ن ذهنی به کار می برم. تابع
<u>بنکنه.</u>		
<u>با ها</u>		
<u>اگه هی باه</u>		
<u>گریم شناسیم</u>		
<u>دارد ص.</u>		
<u>اگه باهاتون</u>		
<u>ما معمولا ش</u>		
<u>با هم دیگه</u>		
<u>می کنیم.</u>		
<u>یه بیار این</u>		
<u>همیشه با اکبر</u>		
<u>گریم من</u>		
<u>اکبر عبیدی</u>		
<u>تو سط استاد</u>		
<u>اسکندری در</u>		
<u>فیلم مادر،</u>		
<u>اثرعلی</u>		
<u>حاتمی</u>		

از جی خودتون راضی هستین؟	امهیت فضایل انسانی.	که به تور پاییت می کننه لذت	صادقانه ترین چیزی که با آدم
می تونم تحمل کنم جمع دورم رو، مهم نیست که بهم زخ درد. پس راحت عصبانی نمیشین؟	دوست دارین در آدمهای بینین که؟	می بردی برات آرامش ایجاد می کنه.	هست؟
پشیموی؟	آدمها همدیگه رو قضاوت نکن.	من شغلم عشقمه در درجه اول برای کاسبی نیست برای کار خودمه.	عشق به هنره?
بعضی وقت هاتوی زندگی... بهترین سفره‌ها؟	حتی وقتو عصبانی میشن؟	وقتی عاشق هنرت باش؟	هنر به تودروغ نمیگه نامردي نمی کنه کلک نمی زنه صادق و صافه عین آینه است.
مکه و مراکش؛ هیچ جا چنان آرامشی نداشتمن. گل و گیاه؟	اون موقع ۵ دقیقه قدم بزن بعد تصمیم شون رواجرا بکن اینها سازنده است به این سادگی هم نیست.	خودش اسم و شهرت پول میاره و همه اینها رومیاره برای این که تو آرامش داشته باشی.	چهره‌ای که توی فضای حرفه‌ای براتون خوشابنده؟
به طبیعت خیلی، ولی گلکاری نکرم. شاهاتون به چیزی؟	کارحسابی آدم حسابی؟	این آرامش رو چیزی هم بهم	بینین! چهره‌ای که من دوست دارم فرق می کنه با چهره‌ای که برای فیلمه.
فکر نکردم سعی می کنم پیدا کنم. گزینه‌اول برای اوقات فراغت؟	تعهد داشته باشه به خودش اگه یه حرکتی رو انجام میده پای اون تعهد وایسه.	می زنه؟	چهره‌ای که بگم این چهره به نمی تونیم تمام نقش های عالم می خوره (می دونی چی میگم). اینه که بعضی چهره ها به بعضی نقش ها خیلی نزدیکن.
مدتیه گرفتار باری با موبایل... معتاد شدم دیگه باید ترک کنم. دروغ چرا!	اهل تعارف هستین؟	تحالالدل تون شکسته؟	چخور چهره‌ای به دل استاد چهرد پرداز نمی شینه؟
راز عشق پایداری هیچ نزاعی؟ تحمل فقط. میشه روزی روز عشق بیفزاید؟	ظاهراتوی ایران نمیشه تعارف نداشت.	نه من سعی کردم با همون ماتریال گریمی که دارم به جوری دلم رو درست کنم که زود نشکنه.	که بازیگر شخود خودش رو بازی کنه یعنی صورت خودش رو بیننه به جای اون نقش.
دوستی و مهریک طرفه؟	حتی اگه از سر دلسوزی و محبت باشه؟	یک از نامهای اخیر؟	بدتون میاد لکیرمیشین؟
محموله مهر، مهر میاره. اون طرف هم باید مهریون بشه. واگه نشه؟	بازیگر پیش اومده. باز پکمیشن.	کمتر برام پیش اومده.	نه بد نماید دستم بسته میشه نمی تونم مانور بدم پس کسل میشم.
اکه نشه که خیلی فاجعه است. شعار زندگی؟	نقدیکسی که دوستش داشتین (به من هم توصیه می کنین)؟	ازصمیمی تون دوستانون؟	نظرتون درباره خالمه رویان؟
شعار ندارم از شعار بد میاد. شعار کاری هم ندارین؟	آرنه نقد می کنم. اما شما دوست و رفیق رو گفتین. خیلی از رفاقت هام به خاطر همین به هم خورد.	شاید اخلاق من رو ندونی. ولی من بایشتر آدمها و همکارام دوستم.	این خال، مال قبل از نسل منه. (بابسی خنده) الان دیگه خود آدمهارو هم نمی بینی.
این که خدامن روسیله قرار داده خالقی دارم و لطفی به من کرده که من اون لطف رو منتقل کنم به دیگران. تاجی که تونستم این رو تقسیم کرم بین ادمهایی که علاوه داشتن. فکر کرمی کنم بدل آرام و راحت برم. مشکل ندارم. اندرزی به آیندگان؟	رازیان سخه پیچ تلخ؟	تلاش شماره قبال دوستانون؟	خشستگی تون رومیزه؟
من کوچیک ترا اونم که اندرزی بدهم تحریه ای بگ... به هر حال به عنوان یک خاک صحنه خودده؟	چون اون مشکل، سدی میشه جلو پیش فتش.	سعی می کنم که دوست شون داشته باشم و اونا هم متقابل به من لطفی دارن	یک چهره‌ای که گریم کرده باشم و دلخواهمن دراو مده باشه.
هر کاری می کنی یا نکن یا درست انجام بده برای چیزی انجام نده. جوان مردانه انجام بده. آدم یا نیاید ببذریه و یا علی بگه یا و جandan درست انجام بده.	آسمون همه جاهمین زنگ؟	معیارتون در رفاقت؟	دیگه؟
اندرزی به آیندگان؟	نه نمیشه بگی. یکی از سه تا چیزی که کوروش از خدا برای ملتش می خوداد میگه دروغ رو از ملت ما دور کن، ولی الان گرفتار شیم.	سعی می کنم هر حرکتی که برای دوستم انجام می دم بابت چیزی نباشه که در آینده خواهد شد.	یه هنرپیشه‌ای که با هام خیلی خوب همراهی کرده باشه برای پیدا کردن شخصیتی که می خود بازی بکنه.
من کوچیک ترا اونم که اندرزی بدهم تحریه ای بگ... به هر حال به عنوان یک خاک صحنه خودده؟	وقت مواد لازم نیست برای گریم؟	دوستی بی چشمداشت؟	به شمانمیدارون نمی خوره؟
هر کاری می کنی یا نکن یا درست انجام بده برای چیزی انجام نده. جوان مردانه انجام بده. آدم یا نیاید ببذریه و یا علی بگه یا و جandan درست انجام بده.	وقت و انرژی لازم رو می ذارم و پیدا شم می کنم.	بانه شنیدن از دوست افسرده نمی شی.	نمی خوره که دعوا بکنم بدی بکنم.
چراز چنین جایی و نه از خود	شماریین؟	یاددادن به سبک استادی که	تحسینش می کنین؟
گفتن شما که توی جمع می آین آرامشی به همه منتقل میشه. این نعمتیه که خداداده به درجاتی برسه.	وقت اونرژی لازم رو می ذارم و پیدا شم می کنم.	شماریین؟	آدمهای اصلی که خودشون و ما سک ندارن.
فرقاد رایتون میگن؟	حس طراحی گریم؟	چه جوری به دست	بالاترین سعادت؟
اون کاری زاده و می طبله. راه خودش کوافی از کجاست تا به کجا؟	مثل شعر گفتنه.	میاد؟	آرامش.
اگر طمع رواز زندگیت خط بزنی این خود شکوفاییه.	فرق تون با بیست سال پیش؟	به باعشق.	میاد؟
از چی خودتون خوش تون میاد؟	موهان سفیدتر شده فرق اخلاقی نکردم.	چه جایی شفافه،	با عشق.
زندگی کار، بچه هام، دوستام.	از چی خودتون خوش تون	من که نمی دونم؟	چیه این عشق. خیلی

۱۰	صادقانه‌ترین چیزی که با آدم‌هست؟	بهترین چیزی که می‌شه عاشقش شد؟	هنریه‌تودرو غنیمیگه	حسینیش‌مهیکنی؟	آدم‌های صاف‌که	بالاترین سعادت؟	تبديل کردن زن به مردیا	من شغل‌مشغومه	معمول‌امهر	پیش؟	فرق‌تون با بیست‌سال	دوستی و مهربانی طرفه؟	سیمرغ‌اتون روک‌جانگه	۰۹	۰۸	۰۷	۰۶	۰۵	۰۴	۰۳	۰۲	۰۱
	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●				●	●	●	●	●	